**مساله پردازی راهبردی حجاب و عفاف**

علیرضا معاف I معاون قرآن و عترت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

معاون قرآن و عترت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با ارائه ۳۰ سرفصل و ۱۶۹ نکته درباره مقوله حجاب در جامعه امروز ایران نوشت: امکان عبور از این چالش سخت و پیچیده برای نظام اسلامی وجود دارد؛ به شرط آنکه به جامعیت، تنوع و تکثرِ موضوع، توجه لازم صورت گیرد.

کلان مساله پیچیده، چندوجهی، چندمنبعی و چند ضلعی حجاب و عفاف، بی شک به یکی از اصلی ترین موضوعات، چالش ها، مشکلات،مستحدثات و مسائل نظام جمهوری اسلامی در ماه های اخیر تبدیل شده است. نگارنده معتقد است ابر مساله و کلان مساله حجاب،عفاف، پوشش و مسائل پیرامونی آن قابل حل و قابل تدبیر است و امکان عبور از این چالش سخت و پیچیده برای نظام اسلامی وجوددارد؛ به شرط آنکه به جامعیت، تضلع، تنوع، تلوّن و تکثرِ موضوع، توجه و تفتن لازم صورت گیرد.

در ادامه ۳۰ سرفصل مختلف در ابعاد متنوع و متکثر مساله حجاب و عفاف مطرح شده و ذیل هر یک از نکات، مبتنی بر آیات قرآن،روایات اهل بیت و اسناد بالادستی نظام و مطالعات معرفت شناختی و مردم شناسانه گزاره های راهبردی و زیرشاخه های عمده هر یک شرح داده شده است.

**۱. راه حل جامع و چهار ضلعی قرآن در موضوع حجاب**

قرآن کریم راه حل کامل، روشن و جامعی برای موضوع حجاب دارد و با طرح چهار ضلعی ستر عورت (عدم آشکارسازی زینت ها جز درموارد خاص)، کنترل صوت (در حوزه شنیدن و گوش)، غض بصر (در حوزه دیدن و چشم) و عدم تبرج جاهلی در سوره های نور و احزابیک چارچوب نظری و چارچوب مفهومی در مواجهه با مساله حجاب را روشن می کند. (در مقاله دیگری این مربع را شرح خواهم داد) راهحل قرآن، کلید اصلی حل مساله است که در آیات ذیل آمده است:

ستر عورت (عدم آشکارسازی زینت ها جز در موارد خاص): یحفظن فروجهن و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها ... و لایضربن بارجلهنلیعلم ما یخفین من زینتهن ...(۳۱ نور)

کنترل صوت (صدا و گوش): فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا (۳۲ احزاب)

غض بصر (چشم): قل للمومنین یغضوا من ابصارهم ... (۳۰ نور)؛ قل للمومنات یغضضن من ابصارهن و ... (۳۱ نور)

عدم تبرج جاهلی: و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی ... (احزاب ۳۳)

**۲. تلاقی چالش حجاب و رواج سبک‌زندگی‌غربی**

اساسا مساله حجاب را جز در یک چارچوب نظری مشخص و توجه به اضلاع متعدد این پدیده متضلع نمی توان حل نمود. چهار ضلعیالف) پوشش ب) عفاف ج) حیا و د) غیرت، اضلاع اصلی مربعی است که گرانیگاه و مرکز ثقل آن، سبک زندگی اسلامی و ایرانی و یاسبک زندگی غربی است و دال استطرادی آن سبک زندگی غربی، مفاسد اخلاقی و مفاسد اجتماعی است. بنابراین نسبت مسأله حجابو سبک زندگی و مفاسد اجتماعی باید مشخص شود تا طرح های مرتبط با حجاب درک و شناخته شود.

۱- رواج و ترویج سبک‌زندگی‌غربی، همواره یک چالش چند وجهی و ذوابعاد برای نظام جمهوری‌اسلامی بوده است.

۲- رواج و تبلیغ سبک‌زندگی‌غربی، استعداد بهره‌برداری‌های سیاسی و امنیتی دارد.

۳- قدرت تهدیدزایی و تخریب‌گری رواج سبک‌زندگی‌غربی، بسیار زیاد است.

۴- رواج سبک‌زندگی‌غربی، خط و جریان و روند است و مجموعه ای از طرح ها هستند که در یک پروسه (دوره) مهندسی شده اند.

۵- رواج سبک‌زندگی‌غربی، مهندسی‌شده و فکرشده و هدایت‌شده است و بردارهای موثر خارجی دارد.

۶- رواج سبک‌زندگی‌غربی، بخشی از برنامۀ براندازی و فروپاشی و استحاله است.

۷- رواج سبک‌زندگی‌غربی، دشوار نیست؛ زیرا مبتنی بر غرائز افراد است.

۸- رواج سبک‌زندگی‌غربی، نظام جمهوری‌اسلامی را دچار انفعال می‌کند و نظام را از موضع فعال در مباحث فرهنگی خارج می کند.

۹- رواج سبک‌زندگی‌غربی، تنش و تضاد و تلاطم اجتماعی ایجاد می‌کند.

۱۰- سبک‌زندگی‌غربی، بدنۀ اجتماعی دارد و ریشه‌دار و طبقاتی است.

۱۱- رواج سبک‌زندگی‌غربی، برگشت‌پذیر نیست، بلکه فزاینده و شدّت‌یابنده و تثبیت‌شونده است.

۱۲- برخی از دوگانه‌های مربوط به حجاب اجباری- حجاب اختیاری عبارت هستند از: اسلام رحمانی- اسلام انقلابی، دین دولتی- دین باطنی، آزادی- انسداد، مدارا- خشونت، تندروی- عقلانیّت و ... . این گزاره ها شکل دهنده نوع و سبک زندگی افراد هستند.

**۳. نیم‌نگاهی از افق وسیع؛ عناصر رواج‌یافتۀ سبک‌زندگی‌غربی**

۱- اشراف و مترفین در چهارضلعی «اشراف، اسراف، اتراف، اتلاف» به ترویج سبک زندگی مترفانه مشغولند و مبتنی بر آیه «اذا اردناان نهلک قریه امرنا مترفیها ففسقوا فیها» منشأ فسق و فجور در جامعه هستند. مترفین طبقه خوشگذران، عیاش و نوکیسه ای هستند کهبه اسراف و تبذیر مشغولند و اصلی ترین جبهه درگیری امیرالمومنین در دوران حکومت پنج ساله اش با اشراف و مترفین بود.

۲- نام‌گذاری خیابان‌ها و فرهنگ سازیهای نمادینی

۳- مانور تجمّل و دور دور بازی خودروهای لوکس میلیاردی و جوانان سرمست ثروت و پول (حملوا الفروج علی السروج)

۴- کافی‌شاپ‌های غربی و رواج مصرف قلیان

۵- فروشگاه‌های زنجیره‌ای و سبک خرید مسرفانه مردم

۶- فست‌فودها و تغذیه غیرخانگی و انهدام مفهوم «سفره در خانه»

۷- شراب‌خواری و عادی سازی مستی الکلی

۸- فرهنگ‌سراها و سراهای فرهنگ

۹- زیست شبانه و پدیده گم شدن در شب

۱۰- سگ‌گردانی و نگهداری حیوانات و همزیستی با حیوانات و سگ بازی علنی اشراف

۱۱- پارتی ها و جشن‌های مختلط

۱۲- استخرهای مختلط

۱۳- برپایی کنسرت و تک‌خوانی زنان (برسی موانع فقهی)

۱۴- حضور زنان در ورزشگاه‌ها

۱۵- ورزش‌های حرفه‌ای زنان و دلالتهای اجتماعی آن

۱۶- اردوهای دانشجویی مختلط

۱۷- مرجعیّت چهره‌ها، برگزیدگان، سلبریتی‌های هنری لیبرال

۱۸- مجازی‌زدگی، غرق‌شدن در فضای مجازی، زندگی مجازی و واقعیّت‌گریزی

۱۹- بازی‌های رایانه‌ای که بعد از موسیقی، دومین مصرف فرهنگی مردم است.

۲۰- ازدواج سفید، هم‌باشی، همجنس‌خواه‌ها، ترنس‌ها، دگرباش‌ها و سکس‌چَت

۲۱- اقلیّت‌های دینی، آزادی انتخاب و تغییر دین، مسیحیّت تبشیری، حقوق و آزادی‌های بهائی‌ها، فرق ضالّه و شبه عرفانهای نوظهور

**۴. توجه تفصیلی به سابقه و پیشینه موضوع**

عمر مساله حجاب، عفاف و پوشش به معنای مدرن و متاخر آن در فضای رسانه ای و اجتماعی فرهنگی ایران قدمتی تقریبا ۱۰۰ سالهدارد و به دوران حکومت دیکتاتوری پهلوی اول و کشف حجاب اجباری رضاخانی برمیگردد. بسیاری از آنان که اصرار بر ولنگاری دارندفرزندان و نوادگان کسانی هستند که در کشف حجاب رضاخانی پیشتاز بودند. در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تقریبا ازهمان ابتدا تا امروز همواره مقوله حجاب و مسائل مرتبط با آن (پوشش، مد، لباس، عفاف، عفت، غیرت) به عنوان یک مساله جدی درعرصه فرهنگ و اجتماع و به تبع آن در رسانه ها مطرح بوده است.

در همین راستا تقریبا از اواسط دهه نود شاهد یک تحرک مضاعف و برنامه ریزی پیچیده تر دشمن در این حوزه به ویژه در عرصه رسانهو فضای مجازی بوده ایم؛ برنامه ای علیه مساله حجاب که تا قبل از سال ۱۴۰۱ با کارسازی و جلوداری عناصر مبتذلی چون مصیعلینژاد در رسانه و فضای مجازی دنبال می شد و در ماجراهایی مثل دختران خیابان انقلاب و چهارشنبه های سفید به کنشهای میدانیجریان ساز و خبرساز هم منتج شد. با ورود به سال ۱۴۰۱ شاهد یک هماهنگی، اجماع و پیچیدگی رفتاری از سوی دشمن در رسانه وفضای مجازی در زمینه حجاب و مسائل زنان بودیم که بعد از اتفاق فوت مهسا امینی وارد فاز ضد امنیتی و آشوب و اغتشاش شد ونزدیک به ۱۰۰ روز کل کشور و فضای مجازی و رسانه‌ها را تحت تاثیر قرار داد.

اما همانطور که از ابتدای اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ قابل پیش بینی بود، مساله بی حجابی و بدحجابی و کشف حجابهای علنی در خیابانو اماکن عمومی بعد از این اغتشاشات، به چالش جدی و اصلی جمهوری اسلامی در عرصه فرهنگ و اجتماع تبدیل شده است. چالشیکه تا امروز، مجموعه رسانه ای حاکمیتی و بدنه مردمی انقلابی موفق نشده در مواجهه با آن، یک رویکرد واحد و متحد و منسجم از خودنشان بدهد و متاسفانه ابعاد این چالش در حال توسعه است.

برای رسیدن به رویکرد دقیق رسانه ای منطبق با راهبردهای رهبر انقلاب از یک سو و مواجهه توانمند در مقابله با استراتژیها و تاکتیکهایرسانه ای دشمن از سوی دیگر، نیازمند تحلیل مواضع و نگاه رهبر انقلاب و همچنین تحلیل نقطه کانونی و اصلی مورد هدف دشمن درمساله حجاب هستیم. منظومه نظری منسجم رهبر انقلاب در ماههای اخیر راه حل کلیدی و محوری مساله حجاب و عفاف است.

**۵. فهم تاثیرات هر یک از اضلاع شش ضلعی مساله حجاب**

در ماجرای حجاب، با یک شش ضلعی از کنشگران و بازیگران مواجه هستیم که علاوه بر شناخت هریک، بایستی رویکرد رسانه ایمتناسب با هر ضلع را نیز به درستی تشخیص دهیم.

ضلع اول: از یک طرف یک اقلیت مخالف و معاند وجود دارد که عامدانه و معاندانه، اقدام به برهنگی، هرزگی و هتک ارزشها و حرمتها درملأ عام می کند؛ برخی از این افراد با دریافت پول اقدام به عریانی و تبرج جاهلی می کنند و برخی دیگر نیز وابستگی فکری، سیاسی وامنیتی به دشمن دارند و از کنشگران جدی اغتشاشات هم بوده اند. این دسته بسیار پر سر و صدا هستند و هر چند اقلیت مطلق هستنداما اکثریت نمایی می کنند و در رسانه و شبکه های اجتماعی حضور پررنگی دارند و با موعظه و نصیحت همراه نمی شوند.

ضلع دوم: یک سوی دیگر تعداد قابل توجهی از جوانان و نوجوانان و مردم هستند که به دلایل گوناگون، التزام عملی به حجاب شرعی یاحجاب عرفی ندارند (بی اعتقادی تئوریک، لجبازی، ناآگاهی، جوزدگی، تبعیت از همسالان و هم نسلان، مشکلات خانوادگی، آسیبهایاجتماعی، مخالفت با دولت و ...) اما عناد ذهنی، عداوت قلبی و مخالفت عمدی با ارزشهای اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ندارند. عده ای از این طیف (تا امروز اقلیت این طیف) با توجه به شرایط فتنه گون پیش آمده، فضا را برای تشدید رفتارها و کنشهای خارج ازعرف و قانون در خصوص پوشش مناسب دیده و کشف حجاب کرده اند اما به تعبیر تصریحی رهبر انقلاب همین کشف حجاب کرده هاهم دل در گرو ایمان به خدا و قرآن و اهل بیت دارند و اهل تضرع و تدین هستند.

بخشی از این طیف هم جزو مرددین هستند؛ منتظر تعیین تکلیف وضعیت کشف حجاب کرده ها و نوع کنش حاکمیت هستند تا تصمیمنهایی خود را در مورد کشف حجاب یا ادامه شل حجابی بگیرند.

ضلع سوم: ضلع دیگر، کنشگر جدی این میدان یعنی دستهای پنهان و آشکار دشمن بیرونی و عوامل داخلی آن است که با یک طراحی ومهندسی پیچیده به دنبال تشدید و دامن زدن به دوقطبی و شکاف اجتماعی هستند؛ ابزار اصلی این دسته هم رسانه و شبکه هایاجتماعی است. در این ضلع ممکن است افراد محجبه و یا غیر مکشفه هم وجود داشته باشند اما در رسانه، مروج و مبلغ و تکمیل کنندهنقشه دشمن هستند. غربگراها، روشنفکران، بخش قابل توجهی از اصلاح طلبان و رسانه های آنها در این ضلع جای میگیرند. در اینضلع گروهها و محافل متشکل که به صورت سازماندهی شده اقدام به ترویج بی عفتی و بی حیایی میکنند وجود دارند که جزو اولویتهایبرخورد حاکمیت باید باشند.

ضلع چهارم: در چهارمین ضلع، جماعت انقلابی و متدینین طرفدار نظام قرار دارند که طبیعتا از هنجارشکنی علنی و عریانی رو به ازدیاددر خیابانها و اماکن عمومی خشمگین و ناراحت هستند. البته در این ضلع هم دیدگاههای متنوع و متفاوتی در نحوه برخورد با اینهنجارشکنیهای علنی وجود دارد و با یک نگاه و رویکرد واحد مواجه نیستیم و اختلاف نظرهای آنها در رسانه ها نیز بازتاب داده شدهاست. برخی نیز با پوشش اعتراض به بی حجابها و بدحجابها مشغول ناامیدسازی مردم از رویکردهای دینی نظام اسلامی هستند وحکومت جمهوری اسلامی را بی توجه به دین و ارزشهای دینی نشان می دهند.

ضلع پنجم: یک ضلع مهم ماجرا، حاکمیت (به معنای اعم آن شامل سازمانها و نهادهای حاکمیتی و وابسته به حاکمیت، مسئولینحکومتی، اشخاص و چهره های دینی و فرهنگی و سیاسی وابسته به حکومت، رسانه های حاکمیتی و ..) قرار دارد که از یک سو نبایددچار انفعال و وادادگی در برابر طراحی دشمن شوند و از سوی دیگر باید مراقبت کنند از تشدید دو قطبی ها بپرهیزند و نفرت اجتماعیمیان مردم دامن نزنند.

ضلع ششم: در این ضلع اکثریت مردم قراردارند که اولویت ذهنی و عملیشان، مسائل اقتصادی و معیشتی است نه مساله حجاب و آزادیروابط زن و مرد. وضعیت پوشش این طیف هم همچون گذشته طیف متنوعی را شامل می شود از محجبه تا شل حجاب و بی حجاب؛ امادر ماجرای حجاب صرفا نظاره گر صحنه هستند. اتخاذ روش غلط از سوی حاکمیت در مواجهه با بی حجابی، می تواند بخشی از اینطیف را هم به جمع کشف حجاب کننده ها بکشاند.

فضای محیطی حاکم بر اضلاع ششگانه: در کنار همه این اضلاع، اتمسفر و فضای حاکم بر محیط کشور با ضعفها و مشکلاتمعیشتی و اقتصادی جدی روبروست که با توجه به روایت سیاه‌نمای رسانه ای دشمن، فضای ذهنی بخش قابل توجهی از مردم اضلاعششگانه را علی رغم وجود نقاط قوت اساسی و مهم، با انبوهی از مشکلات واقعی و غیرواقعی برساخته شده رسانه‌ها، اشغال کردهاست. اتفاقاتی نظیر گرانی خودرو، دریافت خودرو از سوی نمایندگان، گرانی اجاره بها و مسکن و ... این فضای ذهنی را تشدید وتقویت می کند.

**۶. الزامات اجتماعی و مقتضیات حِکمی حل مساله حجاب**

الف) حفظ ثبات و امنیت کشور و عدم بروز حوادث امنیتی (نظیر اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱)

ب) ناامید نکردن هسته سخت نظام از حاکمیت بر اثر کنش یا عدم کنش نهادهای حاکمیتی در موضوع حجاب

ج) اولویت قرار دادن عدالت اجتماعی و اقتصادی و رفع مشکلات معیشتی و اقتصادی از سوی حاکمیت

د) عدم ایجاد دوقطبی اجتماعی

ه) الزام قانونی و شرعی حجاب و التزام حاکمیت به آن و عدم تساهل نسبت به حکم خدا

هر راه حلی برای مساله حجاب باید همزمان به این الزامات توجه کند.

۷. تاثیر سلبریتی ها بر بی حجابی و بدحجابی

- یکی از اصلی ترین کنشگران حوزه حجاب و عفاف چهره های موسوم به سلبریتی هستند و در یک جمله باید برخورد قاطع با سلبریتیها،افراد و چهره هایی صورت بگیرد که با ترویج ولنگاری و بی حیایی رسما تحریک به اغتشاش و یا بی حیایی در جامعه می کنند. ولیجدوافیکم غلظه؛ باید در رفتار نظام غلظت و شدت و حدت مشاهده کنند تا از کرده خود پشیمان شوند. اما سلبریتیها چه کسانی هستند و چهویژگیهایی دارند؟

با خواندن لفظ سلبریتی، چه چیزی در ذهن نقش می‌بندد؟! دربارۀ چه کسانی سخن می‌گوییم؟! نوکیسه‌های بی‌ریشه. تازه به دورانرسیده‌های بی‌اصالت. آنان که سخت تشنۀ "دیده‌شدن" هستند. آری، محتاج "نگاه‌های ما" هستند، بلکه "نان‌"شان در تعلّق و تداومِ نگاهماست. در حقیقت، ما از آنها سلبریتی ساخته‌ایم و برای آنها اعتبار بافته‌ایم. می‌خواهند "اشرافی‌گری‌"شان را در چشم ما فرو ببرند؛لذّت می‌برند از "خویش‌بیانی" و "به‌چشم‌آمدن". میل به "شهرت" همین است. ضلعی از "جاه‌طلبی‌" است؛ این‌که از نظر اجتماعی و دردیدۀ مردم، بزرگ و سرشناس به شمار بیایند. اینان هنر "به‌رخ‌کشیدن خود" را دارند؛ آن هم نه فضایل‌شان را، که فضیلتی ندارند. می‌خواهند همۀ لایه‌های زندگی‌شان دیده شود: خانه‌اشان، وسایل زندگی‌شان، جشن تولّدشان، سفرهای خارجی‌شان، شوهرشان،زن‌شان، لباس‌شان، ظاهرشان، آرایش‌شان، چهره‌شان، موی سرشان، سگ‌شان، و حتّی هندسه و حجمِ اندام‌های دست‌کاری‌شده‌شان... . آخر، چیز دیگری ندارند! داشته‌های‌شان همین‌هاست! و به خاطر همین‌ها هم سلبریتی شده‌اند. سلبریتی‌ها، فقیرترین انسان‌ها هستند؛چه از نظر احتیاج به دیگران، و چه از نظر بی‌چیزی و ضعف درونی. بی‌مایه و پُرمدّعا. سطحی و مغرور. بی‌اندیشه و حرّاف.

. به زندگی و هویّت‌شان نگاه کنید: می‌شود "چشمان زیبا" داشت و در عین حال، یک "احمق تمام‌عیار" بود! می‌شود فقط "خوش‌پوش" بود و امّا "بی‌اخلاق" و "خودخواه"! می‌شود "ثروت‌مند" و "مرفه" بود و امّا "بی‌معرفت" و "نادان"! جز این است؟! آن یکی که فقط بهخاطر رنگ چشمش وارد سینما شده، گمان می‌کند نصیبی از هنر برده است! دیگری که قلّۀ توانایی‌اش بازی با توپ است، متوهم شده کهعقل کّل است و می‌تواند دربارۀ حقایق، اظهارنظر کند! و آن دیگری که از حضور در تلویزیون به شهرت دست یافته، دیگر خدا را هم بندهنیست و به عالم و آدم، فخر می‌فروشد! از رقم‌‎زدن یک زندگیِ شخصیِ ساده و طبیعی، عاجز هستند؛ کاری که از تودۀ مردمِ بی‌ادّعاساخته است!

مشغلۀ اینان، "اشرافی‌گری" و "سگ‌بازی" و "خودشیفتگی" و "خودنمایی" و ... هست. دست‌کم ما خویش را بازیچۀ زندگی سطحی وبی‌مایۀ اینان نکنیم و نردبان جاه‌طلبی و پول‌پرستی‌شان نشویم: به جهنم که فلان سلبریتی به سفر خارج از کشور رفته... به جهنم کهازدواج کرده یا جدا شده... به جهنم که همسرش کیست... به جهنم که چه پوشیده و چه آرایشی دارد... به جهنم که چه نظری داده و چهگفته... به جهنم که کشف ‌حجاب کرده است... . این جماعت مذبذب و هرهری‌مسلک، هر روز رو به قبله‌ای دارند و بندۀ خدایی هستند. تابعجهت وزرش باد هستند! بادبان‌های منفعت‌شان، همیشه باز و در انتظار شکار است. به خدا که اینان لایق "توجّه" و "اعتنا"ی مانیستند. وقتی نزدیک‌شان می‌شوی، تازه درمی‌یابی که هیچ ندارند جز "نقاط ضعفِ پنهان نگاه داشته‌شده"... میان "بود" و "نمود" اینان،فاصله و زاویه، بسیار هست. به همین دلیل است که حتّی کسانی از خودشان، خودشان را تحمّل نمی‌کنند و جز در ظاهر، به یکدیگرلبخند نمی‌زنند. از درون پوسیده‌اند و ظاهرآرایی می‌کنند. به صورت پرداخته‌اند و سیرت را باخته‌اند. "زندگی‌های سیاه" امّا"بازنمایی‌های سفید" در "رسانه‌های زرد" برای "مخاطبان بی‌رنگ" ... بیش از این فریبِ بازی‌های رواییِ رسانه‌های عوام‌پسند رانخوریم...

می‌خواهند "منطقِ زیبایی‌شناسانۀ" ما را دگرگون کنند تا خود در صدر بنشینند و تفاخر و تکبّر بورزند. زیبایی در "ساده‌زیستی" و"قناعت" و "زهد" است، نه در "تجمّل" و "اسراف" و "اشرافی‌گری". زیبایی در "ایمان" و "خلوص" و "پارسایی" است، نه در "جامۀشاهانه" و "شهرت" و "کثرت هواداران". زیبایی در "نجابت" و "عفت" و "پوشیدگی" است، نه در "ولنگاری" و "برهنگی" و "گیسویعیان". زیبایی در "لطافت روح" و "محبّت انسانی" و "قلب زلال" است، نه در "بینیِ عمل‌شده" و "لبانِ فربه" و "پوستِ صیقل‌خورده". زیبایی در "غیرت" و "مردانگی" و "مروّت" است، نه در "بی‌ناموسی" و "بی‌رگی" و "اباحه‌گری".

امیرالمومنین(ع) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه که به موضوع "تعصّب" و "تکبّر" اختصاص دارد، بیانی دارند که به فرموده مرحوم آیت اللهمصباح یزدی(رحمت الله علیه)، یک مصداق آن می تواند گروههای مرجع اجتماعی و فرهنگی (و به تعبیر امروزین، "سلبریتی ها") باشند. (رجوع کنید به کتاب "زینهار از تکبّر"، ص۸۶)

این طبقه متکبّر، به واسطه شهرت و محبوبیتشان در میان مردم تعصّبات جاهلی کورکورانه ایجاد می کنند و سپس در فتنه ها میوه اش رامی چینند؛ و به همین دلیل امام امیرالمومنین(ع) در این فراز، آنان را یکی از ارکان فتنه های سیاسی\_اجتماعی و سخنگویان شیطانتوصیف می فرمایند که با سخنانشان، عقل های مردم را می دزدند.

در فتنه پاییز ۱۴۰۱ که سلبریتی های بی مایه و بی بتّه، دوباره دهان باز کردند و با سوء استفاده از شهرت خود در آتش فتنه دمیدند،خواندن بخش هایی از این فراز خالی از لطف نیست:

"أَلَا فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِکُمْ وَ کُبَرَائِکُمْ الَّذِینَ تَکَبَّرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ وَ تَرَفَّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ ... فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أَسَاسِ الْعَصَبِیَّةِ وَ دَعَائِمُأَرْکَانِ الْفِتْنَةِ وَ سُیُوفُ اعْتِزَاءِ الْجَاهِلِیَّةِ، ... وَ هُمْ أَسَاسُ الْفُسُوقِ وَ أَحْلَاسُ الْعُقُوقِ اتَّخَذَهُمْ إِبْلِیسُ مَطَایَا ضَلَالٍ وَ جُنْداً بِهِمْ یَصُولُ عَلَیالنَّاسِ وَ تَرَاجِمَةً یَنْطِقُ عَلَی أَلْسِنَتِهِمْ اسْتِرَاقاً لِعُقُولِکُمْ وَ دُخُولًا فِی عُیُونِکُمْ وَ نَفْثاً فِی أَسْمَاعِکُمْ؛ آگاه باشید زنهار زنهار از پیروی وفرمانبرداری سران و بزرگان جامعه تان، آنان که به اصل و حسب خود می نازند، و خود را بالاتر از آنچه که هستند می پندارند، ... آنانشالوده تعصّب جاهلی، و ستون های فتنه، و شمشیرهای تفاخر جاهلیّت هستند... آنان ریشه همه فسق ها و انحرافات و همراه انواعگناهانند. شیطان آنها را برای گمراه کردن مردم، مرکب های رام قرار داد، و از آنان لشکری برای هجوم به مردم ساخت، و برای دزدیدنعقل های شما آنان را سخنگوی خود برگزید."(نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۲)

- در ماجرای اغتشاشات ۱۴۰۱ اقتدار نظام اسلامی به مثابه ناموس نظام، دچار شکست و خدشه شد و در ادامه تا همین امروز بخشیاز سلبریتیها علاوه بر ادامه مواضع ضد نظام، با بی حجابی و ولنگاری علنی عملا اقتدار نظام اسلامی را به سخره گرفته اند؛ چرا کهاین رفتار هنجارشکنانه خود را همچنان ادامه می دهند و تا کنون برخورد بازدارنده مناسبی با آنها صورت نگرفته است؛ بنابراین با همهبر هم زنندگان این اقتدار باید با شدت برخورد شود. مسئولان قضایی و انتظامی نباید تحت تاثیر روایت سازی دشمن قرار گرفته و ازاتخاذ مواضع محکم و قاطع، پرهیز کنند تا مبادا برچسب خشونت و تعرض به حقوق شهروندان از سوی این رسانه ها نصیبشان نشود. مردم ولو در دل اعتراض داشته باشند نسبت به اغتشاش، حضور بیگانه، قتل و کشتار، آتش زدن اماکن و آسیب به اموال و ایجادخسارت اقتصادی هیچ همراهی و همدلی ای ندارند. بلکه در شرایط اغتشاش به تکیه گاه امن برای کسب و کار و مال و جانشان نیازدارند. موضع قاطع و رفتار محکم نهادهای انتظامی و قضائی، همان تکیه گاه امن مردم در این شرایط خواهد بود.

- ایجاد ساز و کار روشن، هوشمند، یکپارچه و حرفه ای برای مدیریت جریان سلبریتیها در نظام از دیگر اقدامات ضروری است. برخیاز این افراد که محرک اغتشاش و آشوب نیستند و همچنین به کشف حجاب علنی روی نیاورده اند نیاز به گفتگوی اقناعی و عاطفیدارند.

۸. درباره فرهنگ و عفاف چگونه باید گفت؟

«زبان» و «ادبیات» را نباید کم‌اهمیّت تلقی کرد. نیروهای انقلابی باید دربارة «گفتارِ» خویش، چاره‌ای بیندیشند و خلاء‌ها وضعف‌های آن را علاج کنند. اگر چنین نکنند، نه قادر خواهند بود که رقیب را مغلوب کنند، نه می‌توانند جوانان را مجذوب سازند. پاره‌ای ازاصلاحات و تجدیدنظرها در ادامه آمده است:

۱- باید «صریح، شفاف، واضح، روشن، مشخص» سخن گفت، نه «مبهم، در لفافه، محافظه‌کارانه، دو پهلو، محتاطانه، در پرده، گُنگ،ناگویا، سربسته، پوشیده»؛

۲- باید «محکم، استوار، قاطع، راسخ، مطمئن، مصمّم» سخن گفت، نه «متزلزل، لرزان، مضطرب، سُست، وارفته، آشفته، حیران، دودل،سرگشته، نگران، مُرَدَّد، زبونانه»؛

۳- باید «عالِمانه، مُستند، مُستدل، علمی، منطقی، فاخر، پُخته، دوراندیشانه، سنجیده، مُتقن» سخن گفت، نه «سطحی، بی‌پایه،مغشوش، خلل‌پذیر، ذوقی، سلیقه‌ای، دلبخواهانه»؛

۴- باید «عامه‌فهم، ساده، سهل، روان، آسان» سخن گفت، نه «پیچیده، تخصصی، ثقیل، نامفهوم، نامشخص، مشکل، مُغلَق، شاق،پُرتکلُّف، دشوار، غامض»؛

۵- باید «متین، مؤدبانه، محترمانه، بزرگوارانه، آرام، باوقار» سخن گفت، نه «هتاکانه، غضب‌آلود، پرخاش‌گرانه، اهانت‌آلود، سَبُک،حقیرانه»؛

۶- باید «زیبا، جذاب، نوآورانه، مبدعانه، با طراوت، دلنشین» سخن گفت، نه «تکراری، کلیشه‌ای، خشک، منجمد»؛

۷- باید «مفهوم‌پردازانه، گزاره‌آفرینانه» سخن گفت، نه «مبسوط، تهی از تأکید»؛

۸- باید در بسترِ «مناظره، مواجهه، تقابل، رویارویی» سخن گفت، نه در بسترِ «تک‌گویی، یک‌جانبه‌گرایی، خودبسندگی».

۹. قرآن و نظریه حجاب و عفاف

در چهارضلعی حجاب، حیا، عفاف و غیرت آیات و روایات جامعی وجود دارد. در مورد حجاب آیات مشهور مربوط به حجاب در سوره هاینور و احزاب؛ ۳۱ نور، ۵۹ احزاب: و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن ....؛ یا ایها النبی قل لازواجک وبناتک و نساءالمومنین یدنین علیهن من جلابیبهن ....

در مورد عفاف؛ آیه ۳۳ سوره نور: ولیستعفف الذین لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله؛ در مورد حفظ خانواده و نسل آیات و اذاتولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل ....

در مورد حیا؛ آیات مواجهه حضرت موسی و دختران شعیب در سوره قصص (آیه ۲۵): فجاءت احداهما تمشی علی استحیاء و دهها آیهدیگر وجود دارد.

بنابراین در حل مساله حجاب باید به نظریه استحیاء (طلب حیا) و نظریه استعفاف (طلب عفاف) و نظریه غیرت ممدوح (تغایر صحیح) درمنطق قرآن و نهج البلاغه و روایات توجه کرد و نطر دقیق اسلام را استنباط کرد.

۱۰. سطح‌های توصیف و تجویز؛ قلمروهای پیدایش و پیگیری مسأله حجاب در ۶ سطح مجزا قابل دسته بندی و تبویب است

۱- سطح فرد (آحاد جامعه)

۲- سطح خانواده (کوچکترین سلول اجتماعی)

۳- سطح دوستان (شبکه عناصر شبیه به هم)

۴- سطح عرصه عمومی

۵- سطح نهادهای رسمی و حاکمیتی

۶- سطح نهادهای غیررسمی و کنشگران مردمی

۱۱. مساله پوشش و لباس و توجه به میل زیبایی شناختی زنان و دختران از مهمترین سرفصل ها در حل مساله حجاب است.

در قرآن کریم در آیه ۱۱ سوره مبارکه اعراف، نظریه «لباسا یواری سوءاتکم و ریشاً» مطرح شده است که مبتنی بر آن به طراحی«لباسهای لباس‌نما» و نه «لباسهای بدن‌نما» و مدلهای پوشش مناسب و زنانه و در عین حال عفیفانه و حیاآمیز نیازمندیم که هنوز به آندست نیافته ایم. مخیر گذاشتن بانوان بین حجاب چادر مشکی و مقنعه از طرفی و یا انتخاب بی حجابی از طرف دیگر، یکی ازبی‌تدبیری‌ها در حوزه حجاب و عفاف در چند دهه اخیر است.

۱۲. توجیه‌های موافقان حجاب اختیاری

مجموعه شبهات سالهای اخیر در بحث حجاب اجباری و اختیاری و فهرستی از گزاره های پربسامد در رسانه ها باید شناسایی شود ودر سامانه ذهنی مردم و جوانان به آنها توجه شود. اهم شبهات نظری مردم و جوانان در سالهای اخیر در مساله حجاب و عفاف در ۱۴گزاره ذیل قابل صورتبندی است.

۱- ذات واقعیّت فرهنگی، تنوّع و تکثّر و گوناگونی است، نه یکسانی و همگونی و مشابهت و یکنواختی.

باید کثرت‌گرایی فرهنگی و خصوصیّت رنگین‌کمانی جامعه و تکثّر اجتماعی را بپذیریم.

یکسان‌سازی فرهنگی، هم نشدنی و ناممکن و تمنّای محال است، هم غلط و ناصواب و اشتباه.

۲- باید به خواست و اراده و انتخاب و سلیقۀ زنان، احترام گذاشت.

برخورد قیّم‌مآبانه و آمرانه و از بالا، غلط است.

۳- اصرار بر حجاب، موجب شکل‌گیری شکاف اجتماعی و دوقطبی‌شدن جامعه و تشدید منازعات و اختلافات اجتماعی می‌شود.

۴- حجاب، امری شخصی و خصوصی و فردی است و مداخله در آن، مداخله در حریم خصوصی است.

نوع پوشش، امر عمومی نیست.

[منطق به تو، چه ربطی دارد!]

۵- حجاب اجباری، به سیاسی‌شدن منفی زنان می‌انجامد.

موجب تبدیل‌شدن مقاومت فرهنگی به مقاومت سیاسی می‌شود.

۶- دین، امری تحمیلی و اجباری نیست.

حجاب اجباری، دین‌داری واقعی و باطنی نیست.

۷- برخورد قهری و تحمیلی و اجباری، حاصلی ندارد.

همچنان‌که رضاشاه در کشف حجاب، ناکام ماند، جمهوری‌اسلامی هم در تحمیل حجاب، ناکام خواهد ماند.

قاعدۀ القسر لایدوم در فلسفۀ اسلامی، بیانگر آن است که تحمیل، راه‌حلّ نیست.

۸- باید قانون و شرع را با اقتضائات و تحوّلات عُرف و مردم و جامعه، هماهنگ و منطبق کرد.

فقه پویا و تأثیر مقتضیات زمان، یعنی می‌توان احکام دین را تغییر داد.

ارتباطات گسترده، موجب شده که جهان، تغییر کند. ما نمی‌توانیم این دگرگونی‌های را نادیده بگیریم.

روند جهانی، قهری و اجتناب‌ناپذیر است و قواعد جهانی، بر ما تحمیل می‌شود.

برخی از احکام دین، تاریخی و موقتی و دوره‌ای و زمانمند هستند.

باید ارزش‌ها و احکام دینی را به‌گونه‌ای جذاب مطرح کنیم.

۹- مسألۀ حجاب، اولویّت و تقدّم و ارجحیّت و اصالت ندارد و اساسی و مهم و درجۀ اوّل و اصلی نیست. (به خصوص در برابر اقتصاد)

مصداق تهاجم فرهنگی، بدحجابی نیست.

۱۰- مشکل کشور، حجاب من است یا اختلاس‌های میلیاردی؟!

۱۱- مطابق قرآن کریم، حجاب، مخصوص زنان مؤمن است، نه همۀ زنان، چه رسد به همۀ زنان مسلمان.

۱۲- هیچ روایت یا نقل تاریخی، دلالت بر مبارزه و مواجهه و برخورد معصومان با بدحجابان و بی‌حجابان ندارد.

۱۳- دربارۀ حجاب، تلاش می‌شود یک برداشت و تفسیر و قرائت خاص از اسلام، بر جامعه حاکم شود، حال‌آن‌که می‌توان از حجاباسلامی، برداشت‌های دیگری نیز داشت.

بر اساس نظریۀ تعدّد قرائت‌ها از دین، هیچ برداشتی از دین، مطلق و عین دین نیست.

۱۴- تفسیر مضیق جمهوری‌اسلامی از حجاب، تنگ‌نظرانه و خشک‌مقدّسانه و متحجّرانه است. تفسیر جمهوری‌اسلامی از حجاب،حاصل سلیقۀ دینی این نظام است، نه نظر اسلام.

۱۳. ادله، استدلال‌ها و توجیه‌های طرفداران حجاب قانونی در ۱۰ گزاره ذیل قابل صورتبندی است:

۱- حجاب اختیاری به دلیل این‌که بر ضدّ قانون است، نابجاست.

۲- حجاب اختیاری به دلیل این‌که بر ضدّ هنجار و عُرف و فرهنگ عمومی است، نابجاست.

۳- حجاب اختیاری به دلیل این‌که بر ضدّ اخلاق و حیا و عفاف و متانت و وقار است، نابجاست.

۴- حجاب، امری فطری و تکوینی و ذاتی است، نه اعتباری و دلبخواهانه و سلیقه‌ای.

۵- بدحجابی، جامعه را دچار تنش و تلاطم و آشوب و هیجان جنسی می‌کند.

۶- حجاب، حامی کرامت و شرافت و حیثیّت و منزلت انسانی زن در جامعه است.

۷- نفع حجاب، هم به خود زن بازمی‌گردد و هم به جامعه.

۸- دولت اسلامی بر مبنای مصالح و مضار فردی و اجتماعی، حجاب را اجباری اعلام می‌کند.

۹- حجاب اختیاری به دلیل این‌که بر ضدّ رضایت خدا و دین و ارزش‌های الهی و احکام اسلام و شعائر اسلامی است، نابجاست.

۱۰- حجاب اختیاری و پروژه بی حجابی، بنیان خانواده و نسل را می پاشاند.

۱۴. مسائل حوزه حجاب و عفاف جز در نسبت مشخص با مسائل جنسی فهم و مفاهمه نمی شود.

تاخیر در ازدواج و تبرج دختران برای یافتن زوج مناسب به عنوان یکی از اصلی ترین عوامل بی حجابی و یا بدحجابی شناخته می شود. برخی جامعه‌شناسان، آنارشیسم اخیر در مساله حجاب و پوشش را نتیجه آنتروپی در مدیریت امر جنسی و روابط جنسی در جامعه میدانند. از نظرگاه این جامعه شناسان برخی بدن‌نماییها و افراط در تبرج و هرهری مسلکی ها در حجاب و تذبذب پوششی، ریشه در جلبتوجه جنس مخالف و جذب حمایتهای جنس مخالف دارد. بالارفتن سن ازدواج و پدیده «مجردهای قطعی» و مایوسان از ازدواج که درقرآن نیز به آنها اشاره شده است، ضریب بالایی در تحلیل وضعیت حجاب در جامعه ایرانی دارند.

۱۵. بایدها و نبایدها و دسته بندی اولیه چهارگانه راهکارهای مواجهه با مساله حجاب و عفاف:

۱- مواجهۀ آموزشی و تربیتی و معرفتی؛ دربارۀ دلایل حجاب و اجباری‌بودن آن، پرسش‌های فراوانی وجود دارد. بی حجابی و یابدحجابی زنان، حاصل فقر هویّتی و ضعف شخصیّتی آنها است. به‌دلیل این‌که بدحجابی، ریشه‌ها و لایه‌های فرهنگی دارد، باید وزنمواجهۀ فرهنگی و نرم و اخلاقی با آن را افزایش داد. امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر غیررسمی و مردمی و اجتماعی باید آموزش داده شود.

۲- مواجهۀ مشاوره‌ای و درمانی و روان‌شناختی

۳- مواجهۀ قضائی و حقوقی و قهری که طرفداران و مخالفان جدی دارد.

برای ترویج حجاب، کار فرهنگی، اصالت دارد، ولی این امر، نافی ضرورت سازوکارهای سخت و قانونی نیست.

برقراربودن قانون حجاب در جامعۀ ایران، ازاین‌جهت که نسبت به گسترش‌یافتن موج بدحجابی، تا حدّ زیادی بازدارنده بوده، کارآمد بودهاست.

قانون حجاب و عفاف، همچنان به‌اجرا گذاشته نشده است و یا هیچ قانون مشخصی هم وجود ندارد.

بدحجابی، به‌صورت هدفمند در ابعاد گسترده و وسیع، در حال القای به جامعۀ ما است.

بسیج به‌عنوان ضابط قضائی، طرّاحان لباس و مُدگرایی و اتحادیّه‌های پوشاک و فروشندگان و پاساژها از قوانین حوزه خود اطلاعدرستی ندارند.

۴- مواجهۀ رسانه‌ای و تبلیغی و ترویجی

زیبایی‌شناسی حجاب و چادر به‌مثابه پوشش زیبا

چهره‌سازی موازی و سلبریتی‌ها

واقعه‌سازی موازی

۱۶. نوسازی ادبیّات؛ گفتارهای ایجابی و گفتمان سازی دربارۀ حجاب و عفاف:

۱- باید محجبه ها را خوش حجاب، خوب حجاب نامید و با الفاظ پسندیده در رسانه ها نام برد.

۲- همۀ بدحجاب‌ها، بی‌حیا و بی‌عفت و بی‌اخلاق نیستند و بسیاری از آنها اهل نماز و روزه هستند.

ظواهر، همیشه حاکی از دل و باطن و درون نیستند؛ هر چند باید ظواهر را در حد خودش اهمیت داد.

۳- مانتو نیز، مصداق حجاب اسلامی است. (نظر استاد مطهری)

حجاب اسلامی از لحاظ قالب و شکل و صورت می‌تواند انواع مختلف مشروع داشته باشد، هرچند چادر، بهترین نوع است.

۴- پوشش‌های رنگی، ناسازگار با اسلام نیست و به حس زیبایی شناختی زنان توجه می کند.

۵- زنان ایرانی در طول تاریخ، هیچ‌گاه بی‌حجاب نبودند و جامعۀ ما، ریشه‌های دینی بسیار عمیق دارد.

۶- حجاب حکم خداست، نه آئین‌نامۀ دولتی.

حجاب، دستور الهی است، نه سیاسی.

حجاب، خواستۀ خدا از زن است.

حجاب، مانند نماز، حکم خداست.

۷- زن، عروسک و بازیچه و کالا نیست.

بی‌حجابی، خلاف شخصیّت و منزلت و شأن خود زن است.

بی‌حجابی، موجب تحقیر زن و نگاه ابزاری به زن می‌شود.

۸- بی‌حجابی، رفتاری خانواده‌سوز و ضدّخانواده و برهم‌زنندۀ ثبات خانواده است.

در جامعۀ بی‌حجاب، هیچ زنی امنیّت و آرامش ندارد.

۹- منطق عشق، بی‌حجابی نیست.

عشق، در جامعۀ عفیف به‌وجود می‌آید و معنادار است.

۱۰- بی غیرتی مردان و بی حیائی زنان با هم گفتمان پردازی شود

۱۱- تجارب بی حجابی در غرب (سقط جنین و ...)

۱۷. مساله حجاب و ضرورت عبور از دوگانۀ «انسداد / رهاسازی» رسانه‌های نوپدید غربی

آنچه که در کف خیابان می بینیم اکثرا بازتاب آن چیزی است که در رسانه ها دیده می شود. کف خیابان و کف پیاده رو و محیط پارکهادر فضای برساخته رسانه ها، ساخته می شود و از جمله مهم‌ترین مشوّق‌ها و محرّک‌های بدحجابی در زنان، «رسانه‌های نوپدید» هستند، از قبیل شبکه های اجتماعی فراگیر، «شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای» و «فضای مجازی». ازیک‌سو، ما قدرت اثرگذاریمحتوایی بر این ابزارها نداریم و نمی‌توانیم برای آنها تعیین کنیم که چگونه باشند و چگونه نباشد، و ازسوی‌دیگر، بسیاری از آنچه که درداخل برای حاکم‌گردانیدن فرهنگ حجاب و عفاف انجام می‌دهیم، به‌واسطۀ تأثیر مخرّب و خنثی‌کنندۀ این رسانه‌ها، از دست می‌رود. تنهاراهی که باقی می‌ماند، کوشش در امتداد «مرزبندی فرهنگی» است؛ یعنی باید «حصارها» و «حریم‌ها» ی فرهنگی خویش را،مستحکم سازیم و مجال «نفوذ» و «رخنه» ندهیم. این امر میسّر نیست، مگر از طریق کنارنهادن رویکرد «رهاسازی» رسانه‌ها وپایان‌دادن به سیاست «درهای باز فرهنگی» که در حقیقت، بر «ولنگاری فرهنگی» دلالت دارد. مدیریت نابسامان فضای مجازی درکشور ما حتما یکی از علل اصلی ناتوانی مدیریت ارشد کشور در موضوع حجاب و عفاف است.

افزون‌بر «عدم‌اختلاط» با جهان‌های فرهنگی بیگانه و کاربست راهبرد «منع» و «محدودیّت» فرهنگی، باید این ابزارها و امکان‌هایرسانه‌ای را، «بومی‌سازی» کنیم و شکل «وطنی» و «داخلی» آن را به مردم ارائه نمائیم تا احساس نشود که فرصت‌های ارتباطی وآزادی عمل از آنها ستانده شده و نظام‌جمهوری‌اسلامی در پی ایجاد خفقان و استبداد است.

۱۸. مساله حجاب و ضرورت مدیریت چهره‌های فرهنگی و هنری (گروههای مرجع جدید)

عامل بسیار تعیین‌کننده و مؤثّر دیگر بر وضع بدحجابی در جامعه، شکل‌گیری «گروه‌های مرجع جدید» از اوایل دهۀ هفتاد به این‌سوهستند که اغلب، تقیّد و تعهّدی به معیارهای اسلامی و اخلاقی ندارند و دچار اباحی‌گری‌اند. مرجعیّت اجتماعی «چهره‌ها» (سلبریتی‌ها)، موجب شده که انتخاب‌ها و ترجیح‌های فرهنگی آنها، از جمله در عرصۀ حجاب و پوشش، برای جوانان نیز جذاب وقابل‌اقتباس باشد. در واقع، اینان هم به‌دلیل برجستگی در عرصۀ خاصی همچون هنر، در «حاشیۀ امن» قرار گرفته‌اند و از مواجهات وبرخوردهای جدّی، برکنار هستند، و هم از قدرت «اثرگذاری اجتماعی بالا» یی برخوردارند و می‌توانند به فرهنگ عمومی، جهت بدهند. خط‌شکنی فرهنگی و هنجارشکنی ارزشی اینان، جامعه را نسبت به ضوابط و معیارها، «سست» و «بی‌تعلّق» می‌کند، بلکه کسانی راتشویق به «درنوردیدن خطوط قرمز فرهنگی» می‌کند و به آنها، «جسارت» و «گستاخی» می‌بخشد.

این قدرت اجتماعی پراکندۀ نامحسوس خویش‌مختار، باید «مهار» و «هدایت» شود و «قواعد» و «معیارها» ی ارزشینظام‌جمهوری‌اسلامی را بپذیرد. هرگونه مماشات و عقب‌نشینی دراین‌باره، بر آشفتگی و افسارگسیختگی اوضاع می‌افزید و موجبشتاب‌گرفتن بدحجابی می‌شود. همزمان باید تلاش شود که ازیک‌سو، شخصیّت‌های هنری انقلابی و همسو، به چهره‌های مؤثّر تبدیلشوند، و ازسوی‌دیگر، گروه‌های مرجع اجتماعی تغییر کنند و نیروهای دیگر، جایگزین هنرمندان شود یا به سهم بیشتری دست یابند. به‌عبارت‌دیگر، اصل این‌که هنرمندان به مؤثّرترین و پُرنفوذترین طبقۀ اجتماعی تبدیل شده باشند و بتوانند مطابق میل خود، جریان‌سازی وگفتمان‌پردازی کنند، یک آسیب و چالش است.

۱۹. حل و فصل ریشه ای دوگانۀ «درون‌دینی/ برون‌دینی» بودن استدلال مخالفت با بدحجابی

شکاف دیگری که تعیین‌کننده است و نظام‌جمهوری‌اسلامی باید موضع خویش را نسبت به آن مشخص کند، این است که بر اساس چه«استدلال» و مبتنی بر کدام «چارچوب» و «منطق»، بی حجابی را ضدّارزش قلمداد می‌کند و آن را برنمی‌تابد. مهم‌ترین مسأله‌ای کهدراین‌باره خودنمایی می‌کند، «درون‌دینی» یا «برون‌دینی» بودن منطق ما است. بدحجابی نارواست، چون «حرام اجتماعی» است، یاحرام شرعی است؟ یا حرام سیاسی است؟ یا به‌دلیل این‌که «قانون‌شکنی» است؟! مستند ما، «حکم شرع» است یا «الزام قانون»؟! یاهر دو و «حرام ضدّقانونی»؟! و اگر هر دو، کدام‌یک تقدّم و ترجیح دارد؟! چنانچه به «دین» ارجاع داده شود، در مقابل گفته خواهد شدکه در دین، «اجباری» نیست و «دین دولتی و تحمیلی»، راه به‌جایی نخواهد، و اگر به «قانون» ارجاع داه شود، در مقابل گفته خواهدشد که مبنای وضع قانون، خود «مردم» هستند و اگر «همه‌پرسی» برگزار شود، مردم به حجاب فعلی رأی نخواهند داد. حکومت دینیباید فهرستی از «منطق‌ها» و «استدلال‌ها» ی مواجهه‌ای و انتقادی را شناسایی و تدوین کند و قدرت هر یک را بسنجد و تأمّل کند کهبا کاربست هر کدام از آنها، با چه «گفته‌های مقاومت‌آمیز و نقضی» روبرو خواهد شد.

مخالفت با بدحجابی و مواجهۀ دولتی با آن، باید مبتنی بر «دلیل» باشد و دلیل باید به‌گونه‌ای ساخته‌وپرداخته شود که «فراگیر» و«غیرشکننده» باشد. دراین‌باره، با شبکه‌ای از مفاهیم روبرو هستیم که در نسبت با هم هستند و دیالکتیک دینامیکال (داد و ستد پویا) دارند.

الف) «قانون / ضابطه / جرم / هرج‌ومرج»،

ب) «هنجار / عُرف / ارزش / فرهنگ / انحراف»،

ج) «حرام / معصیت / گناه / فساد»،

د) «اخلاق / حیا / عفت / پاکدامنی / وقار / متانت / شخصیّت»،

هـ) «خانواده / وفاداری / خیانت»،

و) «عقده / خلاء / کمبود/ خودنمایی / بیماری روانی»،

ز) «شخصی / خصوصی / فردی / عمومی / اجتماعی» و ….

۲۰. ضرورت عبور از دوگانۀ جعلی و ساختگی «نرم یا سخت» بودن نوع مواجهۀ دولت اسلامی با مساله حجاب:

یکبار برای همیشه باید در مقام اقناع و با ادبیات اقناعی به خواص و جامعه توضیح داد که همه هنجارها و ناهنجاریها در دو بستر نرم وسخت (و با اولویت نرم) قابل حل هستند. درست است که اقناع و توجیه‌گری، اصالت دارد و باید جامعه را به رشد معرفتی و بلوغ فکریرساند تا به‌گونه‌ای داوطلبانه و خودجوش، حجاب و عفاف را به‌عنوان یک ارزش عالی انسانی و دینی، بپذیرد، امّا همواره این‌طور نیست کههمگان، «مشکل شناختی» داشته باشند و در صورت عرضۀ «دلیل»، رفتار خود را تغییر دهند، بلکه چه‌بسا کسانی با وجود علم بهحکمت و فواید حجاب و نظر شرع دربارۀ آن، باز میل به تخطی و کج‌روی دارند. نمی‌توان در انتظار نشست که چنین افرادی، شاید روزیبه این نتیجه برسند که رعایت حجاب و عفاف در عرصۀ عمومی، لازم است و باید برهنگی و عریانی و تبرّج را کنار بگذارند، بلکه دولتاسلامی موظّف برای «حفظ مصالح عالی جامعه»، پس از آن‌که مراحل ابتدایی «تذکّر» و «تعلیم» و «هشدار» را طی کرد، در برابراین حرام اجتماعی، اجازۀ «تجاهر به فسق» و «افساد در جامعه» را ندهد.

پس با وجود این‌که حجاب و عفاف، مقولاتی فرهنگی هستند و باید در درجۀ نخست، از سازوکارهای فرهنگی برای علاج و اصلاح آنهااستفاده کرد، امّا نباید از اجرای «حدود الهی» نیز منصرف شد و به «روش‌های نرم و گفتاری» و «توصیه» و «موعظه» بسنده کرد،بلکه باید «قدرت قهریۀ دولت اسلامی» را به صحنه آورد. در همه موضوعات اجتماعی نیز چنین است که «مواجهه قانونی» و «مواجههنرم» مکمل هم هستند و در مقابل هم نیستند.

به‌خصوص در شرایط کنونی که افرادی، با انگیزه‌های خصمانه و فاسد، جسور و گستاخ نیز شده‌اند و الزام‌های ساده و بدون پشتوانۀقدرت قهریه را برنمی‌تابند. واضح است که در مواجهه سخت، مواجهه با توده های مردم مد نظر نیست و باید با باندهای مروج فحشا وولنگاری و اشراف برخورد نمود.

۲۱. برآورد تحلیلی از اقدامات دشمن (کم برآورد یا بیش برآورد ممنوع)

الف- پرهیز جدی از ایجاد شکاف و نفرت اجتماعی

تقریبا طی یک دهه گذشته، مهمترین استراتژی دشمن در مواجهه با انقلاب اسلامی به ویژه در حوزه مسائل فرهنگی و اجتماعی مانندحجاب و مسائل زنان، ایجاد شکاف، نقار و دو قطبی اجتماعی منجر به نفرت و دشمنی بین مردم بوده است. در این روند طی چهار پنجسال اخیر، شبکه های اجتماعی و فضای مجازی هم به عنوان شتاب دهنده و یک کاتالیزور موثر و پر قدرت عمل کرده اند. شبکه هایاجتماعی‌ای که گویی کارویژه آنها قطبی‌سازی است تا جایی که حتی در آمریکا هم روند قطبی سازی را تشدید کرده اند. در ایران نیزمیتوان رواج تنفر بین برخی گروههای اجتماعی را مشاهده کرد. بعضاً برخی فعالان رسانه ای انقلابی هم ناخواسته در این قطبی سازیها دمیده اند.

ب- از دو قطبی اجتماعی تا سوزاندن سرمایه اجتماعی نظام

این روزها و در دوران پسا اغتشاشات ۱۴۰۱، خطر بروز و ظهور این دشمنی و شکاف میان مردم بیش از پیش احساس می شود و بهنظر می رسد با شرایط پیچیده ای روبرو هستیم که اگر نیروهای انقلابی و حلقه های میانی مردمی از یک سو و مسئولین دولتی و کشوریاز سوی دیگر در مواجهه با این فضای پیچیده، سخت و بعضا مبهم و غبارآلود، رویکرد و اقدام درستی از خود نشان ندهند چه بساشاهد ادامه روند شدت گرفتن دو قطبی ها خواهیم بود که حتی می تواند به نزاع داخلی در کشور ختم شود و سرمایه اجتماعی نظام رابسوزاند.

۲۲. اهداف، راهبردها و محورهای محتوایی در نسبت با برنامه دشمن طراحی شود

برای دست یافتن به یک طراحی رسانه ای مطلوب در مواجهه با مساله حجاب و بی حجابی، پس از مقدمات پیش گفته و آگاهی از هدفدشمن، لازم است ابتدا صحنه مواجهه را به درستی درک کرده و نسبت به آن آگاه شویم؛ در ادامه با توجه به رهنمودهای رهبر انقلاب، میتوان الزامات، سپس راهبردهای اصلی و محوری و پس از آن اصول و سیاستهای رسانه ای مد نظر را پیشنهاد داد و در نهایتراهکارهای محتوایی ذیل راهبردها و سیاستها و تعیین نقش هر یک از مجموعه های رسانه ای عنوان گردد. در هر طراحی راهبردی بایدنقش و نقشه دشمن مشخص شود. بردار خارجی مهمترین بردار در فهم مساله حجاب و عفاف است و متاسفانه برخی انقلابیون، بیش ازتوجه به بردارهای خارجی، تمرکز انتقادی خود را بر نهادهای حاکمیتی قرار داده اند.

۲۳. دو موضع مهم و تکمیل کننده رهبر انقلاب در چندماه اخیر:

الف- رهبر معظم انقلاب در خطبه های عید سعید فطر فرمودند:

«از مردم عزیزمان هم انتظار میرود که به برکت ماه مبارک رمضان و دستاوردهای بزرگی که در این ماه داشتند، اتّحاد خودشان را حفظکنند. بحمدالله از اوّل انقلاب که امام بزرگوار در کلمات نورانی خود به طور دائم بر روی وحدت مردم، اتّحاد مردم تکیه میکرد، مردم مامتّحد بوده‌اند و این اتّحاد در موارد بسیاری توانست راه‌های دشواری را، تنگه‌های سختی را برای مردم باز کند و راهگشای راه‌ها باشد؛این اتّحاد باید حفظ بشود. دشمن با اتّحاد ملّت ایران مخالف است؛ با یکپارچگی شما مخالف است؛ با یکدست بودن ملّت مخالف است. دشمن مایل است که مردم به خاطر عقاید و سلایق مختلف با هم بجنگند، با هم دعوا کنند. در یک جامعه، سلایق مختلفی هست، عقایدمختلفی هست، نگاه‌های مختلفی به مسائل هست؛ باشد، مانعی ندارد؛ همه در کنار هم زندگی کنند، با هم کار کنند، با هم مهربانیکنند؛ رأفتِ میان مردم. بایستی وسوسه‌های دشمن را برای بدبین کردن مردم به یکدیگر یا بدبین کردن مردم به مسئولان زحمت‌کش کشورباطل کرد.»

ب- ایشان همچنین در سخنانی هوشمندانه در دیدار رمضانی مسئولان نظام مساله حجاب را اینگونه تبیین کردند:

«در مسئله‌ی پوشش، خب بله، مسئله‌ی حجاب محدودیّتِ شرعی و قانونی است؛ آنجا محدودیّتِ دولتی نیست، قانونی است و شرعیاست؛ کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است؛ هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی است. خیلی از کسانی که کشفحجاب میکنند نمیدانند این را؛ اگر بدانند که پشت این کاری که اینها دارند میکنند چه کسانی هستند، قطعاً نمیکنند؛ من میدانم. خیلی ازاینها کسانی هستند که اهل دینند، اهل تضرّعند، اهل ماه رمضانند، اهل گریه و دعایند، [منتها] توجّه ندارند که چه کسی پشت اینسیاستِ رفعِ حجاب و مبارزه‌ی با حجاب است. جاسوسهای دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن، دنبال این قضیّه هستند. اگر بدانند،حتماً نمیکنند. به هر حال، این مسئله قطعاً حل خواهد شد. امام، در اوّلین هفته‌های انقلاب، مسئله‌ی حجاب را الزاماً و قاطعاً بیان کردند؛جزو کارهای اوایلِ امامِ راحل (رضوان الله علیه) این بود. حالا هم حل خواهد شد ان‌شاءالله. منتها همه توجّه داشته باشند که دشمن بانقشه و برنامه وارد این کار شده، ما هم باید با برنامه و نقشه وارد بشویم؛ کارهای بی‌قاعده و بدون برنامه نباید انجام بگیرد. مسئولینبرنامه داشته باشند و دارند؛ ان‌شاء‌الله این کار با برنامه دنبال بشود.»

۲۴. راهبردهای اصلی اجتماعی مد نظر رهبر انقلاب در حل مساله حجاب:

گسترش همدلی و محبت میان عموم مردم و پرهیز از ایجاد نفرتهای اجتماعی

عدم ایجاد (و مقابله با ایجاد) شکاف و نفرت اجتماعی میان عموم مردم (دعوای بین مردم سر مساله حجاب، در رسانه‌ ممنوع!)

۲۵. اصول و سیاستهای پیشنهادی در طرح مساله حجاب در فضای رسانه:

در اولویت قرارندادن مساله بی‌حجابی در رسانه و فضای مجازی (هم از نظر ضریب‌دهی و هم از نظر حجمی)

اتخاذ رویکرد بلندمدت، تبیینی و شناختی؛ نه رویکرد کوتاه مدت و عملیات محور

مخاطب قرار دادن مسئولین، حاکمیت، دشمن و معاندین در مطالبه‌گریها و رویکردهای سلبی (توجه به اضلاع ششگانه)

اتخاذ رویکرد شناختی، تبیینی و ترویجی در مواجهه با عموم مردم (توجه به اضلاع ششگانه)

تفکیک دشمن، رسانه دشمن و کنش دشمن از مردم عادی و کنشهای آنها

تاکید و تمرکز بر مفهوم و کلیدواژه «عریانی» و «برهنگی» و «ولنگاری» و «بی حیایی» در کلیه اخبار و محتواها به جای به کار بردنتعبیر «بی‌حجابی» و «کشف حجاب»

نکته آن است که بسیاری از اقدامات حاکمیتی در حوزه حجاب باید اِعمالی باشد نه اعلامی؛ بنابراین نباید در رسانه به برخی اخبارمنفی پرداخت؛ چرا که قبح موضوع را می شکند.

۲۶. راهکارهای محتوایی طرح مساله حجاب در فضای رسانه:

باید از پوشش رسانه ای درگیریهای بین مردم در مساله بی حجابی اجتناب شود. و فضای همدلی اجتماعی آسیب نخورد.

عدم پوشش و عدم ضریب‌دهی به اخبار و تصاویر کشف حجاب و عریانی در اماکن خاص و محدود (پاساژهای مجلل بالاشهر، طبیعتدور از اجتماع و ...) (گسترش این اخبار به ناامیدی هسته سخت نظام دامن می زند بنابراین پوشش موارد کشف حجاب باید هدفمند وهوشمندانه باشد؛ مثلا تاکید بر مواردی که وابستگی حاکمیتی دارند، تمرکز بر برخورد با مدیر وگرداننده نه مراجعه کننده و مردم و ....)

مطالبه از مسئولین در خصوص اجرا و پای بندی به قانون در موارد مرتبط با حاکمیت (نه عموم مردم) (حجاب کارمندان دولتی و ادارات،رعایت قانون پوشش در اماکن دولتی و وابسته به حاکمیت و ...)

مطالبه اجرای هوشمندانه قانون حجاب در مورد سلبریتیها، آقازاده ها، اشراف

تاکید بر برخورد اقتصادی با سلبریتیها، اشراف و متوملین متخلف از قانون حجاب (مثلا به جای پلمب پاساژ یا مغازه که عمدتا منجر بهافزایش مشتریهایشان می شود (با توجه به قشر خاصی که مشتری این پاساژها و مغازه ها هستند) می توان حسابهای بانکی صاحبپاساژ مسدود شود.) برخورد با مردم باید به برخورد با اشراف تبدیل شود.

مطالبه از حاکمیت و فراجا برای اجرای قانون از اماکن متعلق به اشراف نه اماکن عمومی و مردمی (پیستهای اسکی و باشگاهها وسالنهای ورزشی مجلل به جای مترو و خیابان؛ ماشینهای خیابان اندرزگو به جای اسنپ و ماشینهای معمولی عموم مردم؛ و ...)

نشان دادن قبح و زشتی عریانی و برهنگی از زبان شل حجابها و حتی افراد بدون حجاب سر

افشای دستهای پشت پرده دشمن و تناقضات آنها در مساله حجاب و زنان

مطالبه گری از غرب برای پاسخ دادن در خصوص مسائل و حقوق زنان و حجاب (تاکید رهبر انقلاب)

تبیین قرآنی، عقلانی، منطقی مساله حجاب و پوشش برای مخاطب نوجوان و جوان

تولید و انتشار اخبار و تصاویر همدلانه، دلسوزانه و مهربانانه از مواجهه متدینین با بدحجابی و بی حجابی به ویژه با نوجوانان و جوانان

ایجاد فضای گفتگوهای آزاد واقعی در خصوص حجاب با نوجوانان در رسانه (به ویژه تلویزیون) نظیر گفتگوهای دیوار آزاد در نمایشگاهقرآن و نمایشگاه کتاب که تجربه موفق گروههای مردمی حوزه حجاب بود.

۲۷. طراحیِ زبانِ نیروهای انقلابی دربارۀ جهانِ فرهنگی جوانان

نیروهای انقلابی باید با ادبیات قابل فهم جوانان و ناظر به مسائل زیستی آنان با آنها گفتگو کنند؛ گزاره های ذیل نمونه ای از گزاره های مطلوبی است که در فضای جوانان قابل طرح است:

این که دخترها و پسرها، دو به دو در پارک بنشینند یا خیابان‌گردی کنند، آزادی است، یا این که شرایطِ «ازدواج» و «اشتغال» و«مَسکن» برای آنها فراهم شود؟!

جوانِ امروز، به «ثبات» نیاز دارد.

باید با نسلِ جوان، «صادق، رو راست، یکرنگ، صمیمی، شفاف» باشیم!

جوان به درستی می‌فهمد که چه کسی به او، نگاهِ «ابزاری، سیاسی، انتخاباتی، موقتی» دارد!

اگر صادقانه، خواهانِ «آزادیِ» جوانان هستیم، چرا آنها را در شرایطِ سختِ اقتصادی و اجتماعی، «زندانی، حبس، گرفتار، قفل،غرق» کرده‌ایم؟!

تکنوکرات‌ها، اقتصاد را آنچنان دچارِ فلاکت و بحران کرده‌اند که جوانان، از هراسِ فشارِ طاقت‌فرسایِ مشکلاتِ معیشتی، اقتصادی،مالی، ترجیح می‌دهند که اصلاً «عاشق» نشوند!

جوانان، احساسات، علایق، عواطف، هیجانات‌شان را در درون‌شان حبس، خفه، پنهان، زنجیر، اسیر کرده‌اند،

چون شرایط، مساعد، موافق، مناسب، هموار نیست!

آری، در دورۀ تکنوکرات‌ها، عاشقی «مجاز» است، ولی «ممکن» نیست!

و اگر چیزی «ممکن» نباشد، مجاز بودن یا نبودش، چه تفاوتی دارد؟!

ما جوانان را تهدید نمی‌دانیم؛

جوانان، «در معرضِ تهدید» هستند، نه «تهدید»؛

کسانی که از احساساتِ پاکِ جوانان، «استفادۀ ابزاری» می‌کنند، تهدید هستند؛

کسانی که فقط در دورۀ انتخابات، «جوان‌گرا» می‌شوند، تهدید هستند؛

و کسانی که چون به جوانان «اعتماد» ندارند، کارها را به دست‌شان نمی‌سپرند، جوانان را تهدید می‌شمارند؛

کسانی که جوانان را لایقِ وزیر و معاون و مشاور شدن نمی‌دانند، جوانان را تهدید می‌شمارند؛

تکنوکرات‌ها به اسمِ «استفاده از صاحبانِ تجربه»، جوانان را به کلّی از دولت‌شان کنار نهاده‌اند؛

این که تکنوکرات‌ها در دولت خود، چقدر به جوانان مسئولیت داده‌اند و آنها را به کار گُمارده‌‍‌اند، ملاک است، نه تعریف و تجمیدشان درمقامِ حرف و در پُشتِ تریبون.

تکنوکرات‌ها جوانان را به این بهانه که «بی‌تجربه»‌اند، کنار نهاده‌اند!

جوانان، تهدید نیستند، کسانی که جوانان را «خانه‌نشین» و «ناامید» کرده‌اند، تهدید هستند؛

جوانان، تهدید نیستند، کسانی که جوانان از پُست‌های مدیریتی محروم کرده‌اند، تهدید هستند؛

جوانان، تهدید نیستند، کسانی که تواناییِ ایجادِ شغل برای جوانان ندارند، تهدید هستند؛

جوانان، تهدید نیستند، کسانی که جوانان را به چشمِ یک «رأی‌دهنده» می‌بینند، و نه یک «استعداد برای پیشرفت ملّی»، تهدید هستند.

۲۸. همخوانیِ طراحی های راهبردی و فرهنگی حجاب و عفاف با حسِ زیبایی‌شناختیِ جوانان

آنچه که در این طراحی گفتمانی مهم است، فقط صفاتی از قبیلِ واقع‌نما، واقع‌گریز، سطحی، عمیق، فاخر، عوامانه و ... نیست، بلکهبرخورداریِ آن از جهات و ابعادِ زیبایی‌شناسانه نیز بسیار اهمیت دارد؛ چون زیبایی و لطافتِ گفتمان و گفتار، زمینه را برایاثرگذاری‌اش بر مخاطب فراهم می‌گرداند. گفتاری که بر صلاح و صواب، مبتنی است، باید به گونه‌ای بیان شود که همگان آن را بفهمند ودلالت‌هایش را دریابند، و سپس، آن را شیرین و جذاب و دلربا بیابند و شیفته و فریفته‌اش شوند، به طوری که به واسطه‌ی همین طراوت ودلنشینی، گفتار در ذهن‌شان ریشه بدواند و جاگیر شود. بلاغت مهمترین عنصر در گفتمان سازی است. بلاغت به معنای آن است کهخرفِ خوب را درست و خوب به مردم برسانیم.

۲۹. در طراحی های حوزه حجاب و عفاف باید به عوامل، مولفه ها و ویژگیهای نسل نو که مخاطب اصلی برنامه ها هستند توجه نمود

«استقلال طلب» اند.

«میل جنسی» در آنان، شدت بیشتری دارد.

«میل زیبایی طلبی» در آنان قوی تر است.

گرایش به «لذّت جویی» در آنان بیشتر است.

به «عصیان طلبی»، «شاذگویی» و «نواندیشی» علاقه دارند و می خواهند «متفاوت» از بقیه بیندیشند و عمل نمایند.

«زمینه های معنوی و ایمانی» در آنان بیشتر است.

بیش از دیگران، اهل «قیام»، «برخاستن» و «اقدام» اند.

«شجاعت»، «ریسک»، «جرئت»، «جسارت» و «شهامت» بالاتری دارند.

علاقه به «خلاقیّت» و «ابتکار» در آنان بالاست.

«تحوّل خواه» اند.

علاقه به «حرکت» و «پیشرفت» در آنان بیشتر است.

به دنبال «خودنمایی» و «دیده شدن» هستند.

در مسیر تحقق اهداف، «عجول»، «کم صبر» و «نابردبار»ند.

هرچند از هیجانات بالاتری برخوردارند، اما در عین حال، به دلیل ملکه نشدن امیال نفسانی، زمینه شنیدن و پذیرش «استدلالات منطقی» نیز در آنان بیشتر است.

هرچند امیال نفسانی در آنان از «قوّت» برخوردار است، اما در عین حال، به دلیل «ملکه نشدن» امیال نفسانی، زمینه «مقاومت» بیشتری نیز در آنان وجود دارد.

تأثیرپذیری بالاتری دارند و سرعت «جذب» و «تنفّر» شان بسیار بالاست.

«تحقیرگریز» و به دنبال کسب و افزایش «عزّت نفس» اند.

«حال اندیشی» بیشتر و «دوراندیشی» کمتری دارند.

«جرئی نگر»ترند و قدرت «برآیندگیری» و «جامع نگری» در آنان کمتر است.

میل «آزادی خواهی» در آنان بیشتر است.

از «رأفت» و «عطوفت» بیشتری برخوردارند.

«هیجانی» و بعضاً «کم عمق» هستند.

«ظاهرگرا»ترند و با «محسوسات» و «عینیّات»، ارتباط بیشتری برقرار می کنند.

به شدّت «نظارت گریز»ند.

۳۰. ویژگیهای خاص متولّدین دهه هفتاد و دهه هشتاد که در طراحی های مساله حجاب باید به آن توجه کرد:

بخشی از این جوانان، درکِ روشنی از «انقلاب» و «مقاصدِ فرهنگیِ آن» ندارند.

هیچِ تجربه و فهمِ مستقلی از «دورۀ اصلاحات» و دولت احمدی نژاد ندارند، امّا خاتمی و احمدی نژاد برای آنها، شخصیّتِ «پرده‌نشینِجذّاب» است.

درک درستی از برخی شخصیت های مؤثر (انقلابی و غیرانقلابی)، مانند «حضرت امام(ره)»، «رهبر معظم انقلاب»، «استادمطهری»، «هاشمی رفسنجانی» و ... ندارند.

با برخی پدیده های تلخ و شیرین پس از انقلاب، همچون «دفاع مقدس»، «فتنه های۷۸ و ۸۸»، «فتنه ها و کودتاهای اوایل انقلاب» و... آشنا نیستند.

عموماً از «دولتِ غرب گرا»، فاصله گرفته‌اند و آن را نمی‌پسندند اما هنوز فوائد و منافع دولت مردمی و انقلابی مکتبی و را حس نکردهاند.

بخشی از این جوانان، «دغدغه‌های اقتصادی»‌شان، هم‌رتبۀ «دغدغه‌های فرهنگی و سیاسی»‌شان شده است.

اکثراً با «شبکه‌های اجتماعی»، بسیار مأنوس و مماس هستند.

گروههای مرجع بخش از آنان، «سلبریتی ها» هستند، نه «اندیشمندان» و «عالمان».

عموماً از ادبیات تبلیغی و کلیشه ای مرسوم نهاد های تبلیغی رسمی(همچون صدا و سیما)، خسته اند.

مسألۀ بخشی از آنها، «کارآمدی»، «توانمندی» و «قدرتِ حلّ مسأله» است، نه «حقانیّت» و «مشروعیّت» و «مباحثِ نظری».

اکثراً با برخی مفاهیم نظری شبهه افکن، که از سالهای ۷۰ تا ۸۴ در کشور فراگیر شد، مانند «هرمنوتیک»، «پلورالیسم»،«سکولاریسم» و «ایسم» هایی از این دست، آشنا نیستند.

بخشی از آنان، «طلبکار»، «مدّعی» و «منتقد» هستند.

اکثراً «غیرسیاسی» و گاهی، «سیاست‌گریز» هستند؛ و «سیاست» برای آنان، به مثابه «تفریح» و «طنز» است.

بخشی از آنان، نسبت به مقوله «قدرت سیاسی»، بسیار بدبین هستند.

بخشی از آنان، «کم‌حوصله»، «کم‌خوان»، «تجربی» و «عینی» هستند.

عموماً از مطالب «مطوّل» و «عمیق»، گریزانند و «خلاصه گویی» و «ساده گویی» را بیشتر می پسندند.

با مفاهیم و ادبیات استارت آپی، تند، سریع و شتاب دهنده، بیشتر و زودتر ارتباط برقرار می کنند.

بخشی از آنان، از «کار جمعی» فراری اند و بیشتر تمایل به «فردیّت» و «کار فردی» دارند.

«متفاوت» هستند و می‌خواهند تفاوت‌های‌شان، به‌رسمیّت شناخته شود و اجبار و تحمیلی در کار نباشد.

پُررنگ‌ترین و عمیق‌ترین دغدغه‌شان، «ارتباط با جنسِ مخالف» برای برآورده‌کردنِ «نیازهای عاطفی، احساسی، عاشقانه» و «نیازهایجنسی، غریزی» است. خطوطِ قرمزِ متعدّد و بن‌بست‌های گوناگون، و ازطرف‌دیگر، تحریکاتِ رسانه‌ای بی‌سابقه و متراکم، آنها را به‌شدّتتهییج و برافروخته کرده است.

عموماً در خانواده هایی با یک فرزند و حداکثر دو فرزند، رشد یافته اند.

عموماً «زندگی آپارتمانی» را تجربه کرده اند.

خانواده های آنان، عموماً در زمان «دولت اصلاحات» شکل گرفته اند.

بخشی از آنان، بیشتر از گروههای واقعی، در گروههای مجازی رفاقت و دوستی را تجربه کرده اند.

در برخی اتفاقات نظیر سرود سلام فرمانده و راهپیمایی اربعین نشان داده اند که گرایشات دینی در آنها وجود دارد (اگر به حس زیباییشناسی آنها توجه شود)

نگارنده معتقد است که مساله (Problem) حجاب و عفاف قابل تدبیر و قابل حل است؛ به شرط آنکه برنامه راهبردی و راهکنشی متناسببا پیچیدگی و اضلاع متکثر این مساله طراحی و با جدیت اجرا شود.